

هو

۱۲۱

هر که نه پویای تو خاموش به

هر چه نه یاد تو فراموش به

«آداب مجلس فقری»

سید فخرالدین برقی

هو

۱۲۱

ای یاد تو مونس روانم

جز یاد تو نیست بر زبانم

ای فقیر بدان که بهترین اعمال ذکر خداوند متعال و یاد او بودنست. و از اعمال واجب هم منظور همان یاد خداست، چنانچه مولوی فرماید:

اگر نه روی دل اندر برابرت دارم

من این نماز حساب نماز نگذارم

مراد من ز نماز آن بود که من با تو

حدیث درد فراق تو با تو بگذارم

پس منظور از اعمال واجبه و مستحبه همه همان ذکر و یاد محبوبست. و برای سالک کوی دوست هیچ چیز بهتر و نیکوتر از یاد دوست نیست و یاد دوست در همه حال نیکوست خصوصاً در حال اجتماع مؤمنین که محل رحمت و برکت است و خداوند و ملائکه و ارواح انبیاء و اولیاء علیهم السلام به آن مجلس توجه دارند. لذا برای آن مجلس فضائل و آدابی است که مختصری از آیات و اخبار ائمه هدی علیهم صلوات الله الملك المستعان و گفتار بزرگان دین قدس الله اسرارهم را برای تذکر خود و برادران ایمانی بعرض میرساند. باشد که به لطف خدای متعال توفیق عمل حاصل گردد.

قم - خاکپای فقرا سید فخرالدین برقی

## فضیلت ذکر خدا و امر به آن

### \* آیات

۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را بسیار یاد نمائید و او را هر صبح و شام تسبیح نمائید.

۲- وَاذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.

ترجمه: خدا را زیاد یاد نمائید تا رستگار گردید.

۳- وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ.

ترجمه: حمد و ثنای پروردگار ترا بنما زمانی که در شب برمیخیزی و زمانی که ستارگان پنهان میگردند.

۴- أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ.

ترجمه: بیاد خدا دل‌هایتان را آرامش دهید.

۵- الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

ترجمه: کسانی که خدا را در نشستن و ایستادن و خوابیدن یاد می کنند و تفکر در خلق آسمانها و زمین می نمایند ، مؤمنانند.

آیات قرآنی درباره ذکر بسیار است ولی پنج آیه آوردیم.

۱- أَلَا أَنْ خَيْرَ أَعْمَالِكُمْ أَذْكَارِكُمْ إِلَى آخِرٍ. رسول خدا(ص)

ترجمه: آگاه باشید بدرستی که بهترین کارها و یادها نزد صاحب شما و آن چیزی که شما را بلندمرتبه و منزلت و درجه می نماید و بهتر از آنچه آفتاب بر او می تابد یاد خداست.

۲- قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أَنَا جَلِيسٌ مَنْ ذَكَرَنِي إِلَى آخِرٍ.

حدیث قدسی از رسول خدا (ص)

خداوند میفرماید: من همنشین با کسی هستم که یاد من کند و بلند است مرتبه و منزل کسی که با خدا همنشین باشد.

۳- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَحَبَّهُ اللَّهُ إِلَى آخِرٍ.

رسول خدا (ص) فرماید: کسی که یاد خدا بسیار نماید خداوند او را دوست میدارد، و نوشته می شود برای او دو رهائی (ایمنی): رهائی از آتش دوزخ و رهائی از دورویی.

۴- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): قَالَ اللَّهُ مَنْ ذَكَرَنِي فِي مَلَأٍ مِنَ النَّاسِ إِلَى آخِرٍ.

ابوعبدالله فرمود: میفرماید خداوند کسی که مرا در آشکارا و در بین مردم یاد نماید، من او را در بین ملائکه یاد می نمایم.

۵- قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَكْثِرْ ذِكْرِي بِاللَّيْلِ إِلَى آخِرٍ.

خداوند فرمود به موسی (ع) زیاد یاد من بنما در شب و روز و بوده باش در موقع یاد من خاشع- با حال توجه.

احادیث شریفه در فضیلت و امر بیاد خدا بودن زیاد است فقط پنج حدیث انتخاب شد.

## فضیلت مجالس ذکر

قال رسول الله (ص): حضور مجلس الذكر افضل من الصلوة الف ركعة...

ترجمه: فرمود رسول خدا (ص) حاضر شدن در مجلسی که یاد خدا در آن باشد برتر است از هزار رکعت نماز (البته مستحبی)

قال رسول الله (ص): إِذَا مَرَرْتُمْ فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ فَارْتَعُوا إِلَى آخِرِ.

ترجمه: فرمود رسول خدا (ص): زمانیکه مرور نمودید در باغهای بهشت پس بهره بردارید (بچرید) و لذت ببرید.

عرض کردند: ای رسول خدا باغهای بهشت کدام است؟

فرمود: مجالس (حلقه های) ذکر خدا. بدرستی که از برای خدای تعالی ملائکه سیر کننده ایست که جویای مجلس و حلقه هائی هستند که در آن یاد خدا و ذکر خدا باشد و چون به آن حلقه ها رسیدند پس طواف می کنند بر دور آنها و اطراف آنها را احاطه می نمایند.

(کنایه از این است که اطراف اهل مجلس را می گیرند و آنها را از آسیب و بلاها نگهداری می کنند بامر خدا).

قال رسول الله (ص): بَادِرُوا إِلَى رِيَاضِ الْجَنَّةِ فِي دَارِ الدُّنْيَا إِلَى آخِرِ.

فرمود رسول خدا (ص): پیشی گیرید (بشتابید) بسوی باغهای بهشت در این دنیا. عرض کردند چه چیز است باغهای بهشت در دنیا؟

فرمود: حلقه های ذکر (مجالسی که به یاد خدا تشکیل می گردد).

ذکر و مجالس ذکر از نظر خداوند متعال و رسول محترم او و ائمه اطهار و اولیاء عظام فوق العاده مورد توجه و احترام است تا جائی که افضل از هزار رکعت نماز می شمارند. پس واجب و لازم است بر افرادی که خود را اهل این گونه مجالس می دانند و در آن حضور می یابند. آداب و احترام آنرا رعایت نموده با مجالس دیگر تفاوت بگذارند تا مورد توجه و عنایت خدا و بزرگان دین واقع شده و بهره کامل از اینگونه مجالس ببرند.

### آداب ورود و حضور مجالس ذکر

شستشویی کن وانگه به خرابات خرام

تا نگردد ز تو این دیر خراب آلوده

۱- آنکه لباس و بدن را از آلودگی و ناپاکی پاک گرداند یا غسل یا وضو، در صورت ممنوع بودن از آب، تیمم بنماید و خود را به بوی خوش بیاراید، اگر بتواند با غسل توبه وارد شود بسیار بسیار نیکوست. غسل توبه، حالت توجه و خضوع و خشوع را زیاد می نماید.

۲- از منزل یا محلی که هست و به قصد شرکت در مجلس ذکر حرکت می کند سر را به زیر انداخته به دیگری توجه نداشته باشد بدل و زبان یاد خدا نماید و قصدش فقط خدا باشد و منظورش دیدن کسی برای اموری از دنیا نباشد.

۳- وقتی که وارد مجلس شد در هر کجا که جا هست بنشیند و جا را برای دیگران تنگ نکند تا میتواند رو به قبله یا اگر در مجلس بزرگی باشد رو به او بنشیند، با کسی حرف نزند خصوصاً حرف دنیائی که بسیار نازیباست و مشغول ذکر قلبی یا زبانی خود باشد و آنی از فکر و ذکر غفلت نکند که شیطان آماده است که : تا سالکی از ذکر و فکرش غافل شود او را بطرف خود بکشانند.

۴- دهان و دست و پاها را کاملاً بشوید که بوی عفونت ندهد، اگر غذایی که بودار بوده مانند: سیر - پیاز خورده است پهلوی کسی ننشیند که از بوی دهان او ناراحت باشد سعی کند سرفه و خورناسه (صدای دماغ) نداشته باشد، و به این طرف و آن طرف نگاه نکند.

۵- اگر کتاب خوان مجلس کلمه ای را غلط خواند، ایراد غلط نکند، چه آنکه حال شنوندگان را تغییر میدهد، وانگهی بزرگ مجلس خود داند اگر صلاح باشد، غلط او را گوشزد میکند، عبارت یا اشعاری را که کتاب خوان می خواند بلند بلند همراهی نکند در خواندن، این عمل دو عیب دارد، یکی آنکه اظهار فضل نمودن است، دیگر آنکه حواس خواننده و شنونده را متشتت می کند.

۶- در پیش پای کسی بلند نشود، مگر آن کس که بزرگ مجلس احترام نمود و پیش پای او برخاست. اساساً مجلس فقری باید از همه اسباب تعین و تشخیص دنیوی خالی باشد آنجا حالت خضوع و خشوع و توجه قلبی به ذکر و فکر می خواهد و بس.

۷- اگر کتاب خوان مطلبی را خواند و متوجه نشد در همان حال سؤال نکند صبر کند پس از خاتمه کتاب پرسد.

۸- اگر در مجلس کسی از بزرگ مجلس سؤال کرد یا ایرادی نمود، مداخله نکند، اساساً در بحث و گفتگوی دیگران وارد شدن مذموم و بسیار عمل زشتی می باشد.

۹- پیرمردان را و کسانی که راه رفته ترند (پیش کسوتان) احترام نماید.

۱۰- اگر در مجالس اطعامی می شود دیگران را بر خود ترجیح دهد، اول به آنها برساند.

۱۱- از کشیدن سیگار در مجلس بلکه همه وقت خودداری نماید که باعث آزار مؤمنین نشود.

۱۲- از برادران فقری خود انجام اموری را که از طاقت و توانائی آنها خارج است نخواهد، چه در صورت عملی نشدن باعث کدورت قلبی می شود.

۱۳- دستها را کاملاً قبل از حضور در مجلس بشوید و معطر سازد که در موقع مصافحه فقری باعث تنفر نباشد.

۱۴- با برادران ایمانی خوشروئی و خوشرفتاری نماید و مصافحه کند تا محبت فیما بین زیاد شود. در حدیث است که دو مؤمن چون از روی خلوص نیت دست بدست هم بدهند خداوند گناه آنها را می بخشد و بر آنها رحمت میفرستد.

۱۵- با برادران ایمانی خصوصاً و با مردم عموماً، خوشروئی و خوشرفتاری نماید، که سوء خلق و ترشوئی را خداوند و بزرگان دین دوست نمی دارند .

۱۶- نادانسته چیزی و سخنی نگوید، خصوصاً مربوط به امور شرعی و دینی باشد، چه ممکن است مسئله یا حکمی شرعی را بر خلاف بگوید و سؤال کننده هم عمل کند و باعث گرفتاری و عذاب گوینده است که خداوند میفرماید :

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا

یعنی کاری را که علم به درستی او (یا حرفی را که علم برآستی او) نداری نگو، بدرستیکه گوش و چشم و قلب تو مسئول آن است.

۱۷- تا حالت عشق و محبت پیدا نشده با بزرگ مجلس یا دیگر اخوان مصافحه ننماید که بوی نفاق خواهد داد خصوصاً اگر از روی تکلف و خودنمائی مصافحه کند و زانوی شیخ را ببوسد یا زمین خدمت را، بوی شرک میدهد.

۱۸- با بیگانگان و (غیر فقیر) که بوی عشقی از آنان نمی آید ننشیند که:

افسرده دل افسرده کند جمعیتی را و سعدی علیه الرحمه گوید:

پای در زنجیر پیش دوستان

به که با بیگانگان در بوستان



مگر برای هدایت و راهنمایی در صورت صلاحیت داشتن.

۱۹- از روی تکلف و خودنمایی صیحه نزند و فریاد نکند که علامت نفاق است و بزرگان این عمل را دوست نمی دارند. بلی : اگر از روی بی اختیاری و غلبه محبت و شوق باشد ممدوح است ولی اگر بتواند خودداری کند بهتر.

۲۰- در مجلس با دیگری صحبت نکند خصوصاً حرف دنیا که دل را می میراند و حال توجه خود و دیگران را می برد .

این بود مختصری از آداب ظاهری حضور در مجالس خدا و آداب باطن آن که اس و اساس و روح آن است بسیار و اجمال آن اینست:

۱- فقط و فقط برای اطاعت امر و تقرّب به حق باشد.

۲- در ظاهر و باطن از جمیع معاصی توبه کند و حقیقتاً نادم باشد.

۳- کینه و عداوت هیچ مؤمن و مسلمی را بدل نداشته باشد.

۴- از روی تکبر و خودخواهی و غرور و خودنمایی نباشد.

۵- برای امور دنیوی و صوری نباشد.

۶- دل را از یاد دنیا و مافیها حتی از یاد بهشت و نعم او پاک کند و جز محبوب در دلش جای نداشته باشد.

## آداب رسیدن خدمت علماء ربّانی و

### بزرگان دینی

**اولاً** مرید باید مراد خود را از همهٔ عالم (سواى ۱۴ معصوم) بیشتر دوست بدارد و به او عشق بورزد چه آنکه بزرگترین سرمایه برای سالک عشق است، نردبان ترقی او عشق است، بی عشق هیچ کس به مقامی نرسیده و نمی رسد.

فلک جز عشق محرابی ندارد

جهان بی خاک عشق آبی ندارد

کسی کز عشق شد خالی فسرده است

گرش صد جان بود بی عشق مرده است

اگر سالک را عشق باشد آنهم عشق به حق و اولیاء حق بدون شک و شبهه به مقامی خواهد رسید. لذا عشق به مراد اولین شرط سلوک است.

**دوم** آنکه او را نمایندهٔ خدا و پیغمبر (ص) و ائمه هدی (ع) بداند یعنی او را مجاز از امام یدابید در تربیت خداجویان بداند، هرچه گفت بی چون و چرا بپذیرد، سخن او را سخن امام، رفتار او را رفتار امام بداند.

مشایخی که از طرف او مجاز هستند بعنوان نمایندگی اطاعت نماید، گفتار و کردار آنان را محترم بشمارد و پیروی کند و در حق آنان غلو نکند و به خیال خود و دلخواه خود نسبتی را که به خود نداده اند ندهد، و اسرار مرادش را به هیچ کس ولو به برادران طریقتی نگوید، و در نزد بیگانگان زیاده از حد معمول تعریف و احترام نکند که باعث حسد شده تولید زحمت می نمایند در حضور آنها تا میتواند در مقابل بنشیند، و خیره خیره در آنها ننگرد، دلش را در باطن با دل پیر مقابل دارد تا از انوار ولایتی او بهرمنند شود چنانکه مولوی فرماید:

دل نگه دارید ای بی حاصلان

در حضور حضرت صاحب دلان

پیش اهل دل ادب بر باطن است

زانکه دلشان بر سرایر فاطن است

در حضور آنان صدا را بلند نکند که بمصداق آیه شریفه «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِیِّ» نهی اکید شده است. چه آنکه آنان نماینده پیغمبر اکرم (ص) می باشند و احترامشان هم به همان جهت واجب و لازم است بدون داشتن حال ارادت و خشوع با آنها مصاحفه نکند، بوسیدن زمین و زانوی آنها در صورت غلبه ارادت و محبت اشکالی ندارد ولی اگر از روی تکلف باشد بوی ریا و خود نمائی میدهد و ابداً جایز نیست.

هرگاه آنها در محلی میهمان باشند همراه آنها نرود، مگر آنکه دعوت داشته باشد یا خودشان امر بفرمایند.

در مجلس برای بزرگ وقت خود یا مشایخ مجاز حریم قائل شود یعنی با فاصله بنشیند چون ممکن است فقیری صحبتی محرمانه و خصوصی داشته باشد و نخواهد کسی دیگر مطلع شود و توقف در حضور بزرگان زیاد نکند. به فرمایشات آنان کاملاً گوش بدهد، اگر فقرا زیاد باشند از مصافحه خودداری کند، و باعث اذیت بزرگان نشود. چه نگاه کردن به روی عالم هم عبادت است و معنی زیارت توجه قلب است.

بی موقع به درخانه آنها نرود مگر در حال ضرورت، سؤالات بی مورد نکند، چنانچه موضوعی برایش مشکل شد توجه کامل به سخنان آنها داشته باشد، اشکالش حل می شود. در امور دنیا تا میتواند به ظاهر آنها متوسل نشود و استمداد و طلب همت از باطن آنها بنماید.

از خدا جوئیم توفیق ادب

بی ادب محروم ماند از فیض رب

### فضیلت همنشینی با فقرا

کلمه فقرا در اینجا نه آن کسانی هستند که دارائی دنیا ندارند. ای بسا ناداری که چنان حب دنیا را دارد که همه چیز حتی خدا را فراموش کرده و ای بسا ثروتمندی که با داشتن ثروت بسیار دلش خاضع و خاشع و متذکر اوامر و نواهی الهی است و محبت دنیا را در دل خود که جای خدا میباشد راه نداده است. منظور از «فقرا» در اینجا کسانی هستند که دلشان از محبت و عشق به خدا پر است، دیدنشان انسان را به یاد خدا می آورد. گفتارشان به دانش و علم انسان می افزاید و رفتارشان شخص را به راه خدا آشنا می سازد. منظور از کلمه فقرا اینان هستند. خداوند متعال پیغمبر و حبیب خود را نهی می فرماید که: از نقوش و زینت های دنیا چشم پوشی کن و بر آنان اندوه مخور ولی اهل ایمان را (فقرا) زیر پر و بال علم و حکمت خود بگیر و با کمال حسن خلق با آنها رفتار کن. «لَا تَمْدَنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا...»

در جائی دیگر می فرماید:

«وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا...»

و هرگز با آنانکه ما غافل کرده ایم قلب آنها را از یاد خود و تابع هوای نفس خود شدند و به تبه کاری پرداختند متابعت مکن (یعنی صاحبان جاه و مالی که از خدا غافل شده اند) لکن درباره معاشرت و هم نشینی با کسانی که دلشان به یاد خداست می فرماید:

«وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدْوَةِ وَالْعَشِيِّ»

یعنی: همیشه خود را با کمال شکیبائی به محبت آنانکه صبح و شام خدا را می خوانند و رضای او را می طلبند وادار کن و یک لحظه از آن فقیران چشم میپوش و ایضاً می فرماید: «وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ»

یعنی هرگاه آنانکه به آیات ما می گروند نزد تو می آیند بگو سلام بر شما باد، خدا بر خود رحمت و مهربانی را (بر شما) فرض نموده...

طبق آیات شریفه بالا خداوند پیغمبر خود را امر می فرماید که با مؤمنین (فقرا) همنشینی کند و با آنها مهربانی فرماید و از کسانی که با خدا سر و کار ندارند مراد و معاشرت نفرماید، پس فقیر باید با فقیری که مجالست او خدائی میباشد و نشستن و برخاستنش به یاد خداست معاشرت و هم نشینی کند و با کسانی که از خدا غافلند و تمام همشان دنیا و امور دنیایی می باشد برکنار باشد. معاشرت و هم نشینی با غافلین از خدا قلب را تیره و دل را می میراند.

«اللَّهُمَّ وَفَقْنَا لِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ»

پایان

